

ارزیابی موانع و راه کارهای مقابله با انگ بیماری روانی در ایران، مطالعه کیفیتقوا، ارسیا^۱ - آتشی، افسانه - فارسی، زهرا - جوانمرد، یاور

۱- روانپزشک دانشیار دانشگاه، ataghva@yahoo.com

مقدمه: انگ یا استیگما بر روند اختلالات روانی چنان تاثیرگذار است که از سوی محققین به عنوان جدی ترین عامل مخاطره آمیز و بازدارنده در ارتقای سلامت روان شناخته می شود. هیچ جنبه ای از نظام سلامت روان را پیدا نمی کنیم که از انگ مبرا باشد؛ بیماران، خانواده ها و ارائه دهندگان مراقبت بهداشتی، حتی فرایندهای تشخیص و درمان بیماری های روان همواره مورد شماتت، اعتراض و تبعیض بوده اند.

توصیف سوابق علمی استیگمای بیماری روانی در ایران و جهان، تبیین وضع موجود در ایران و تدوین فرایند کاستن از انگ در ایران می باشد. روش: این مطالعه کیفی به روش گراند تئوری در سال های ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. مشارکت کنندگان با هماهنگی کارشناسان دفتر سلامت روان اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و از طریق نمونه گیری مبتنی بر هدف و نمونه گیری نظری انتخاب شدند. داده ها از طریق ۱۶ مصاحبه ی انفرادی، دو مصاحبه ی فوکوس گروپ (گروه های متمرکز) و ۶ یادداشت مکتوب جمع آوری شد. پژوهشگران هم زمان داده ها را جمع آوری، کدگذاری و تحلیل نمودند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از پارادایم کدگذاری کوربین و اشتراوس استفاده شد. در این روش کدگذاری در سه سطح کدگذاری اولیه، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. انجام مصاحبه های پی در پی، درگیری طولانی مدت با پدیده ی تحت بررسی (حدود ۱۸ ماه)، غوطه وری کامل در داده ها، چک کردن یافته ها با مشارکت کنندگان، بازنگری ناظرین، استفاده از روش های متعدد برای جمع آوری داده ها، مرور متون، ثبت دقیق و گزارش کلیه مراحل پژوهش از جمله روش هایی بود که برای افزایش دقت علمی یافته ها در این پژوهش به انجام رسید.

یافته ها: نتایج حاصل از جمع آوری و تحلیل داده ها منجر به استخراج ۷۵۳ کد سطح اول، ۷۳ مفهوم اولیه، ۱۴ زیر طبقه و سه طبقه اصلی گردید. موانع، راهکارها و پیامدهای کاهش انگ سه طبقه اصلی مستخرج از داده بودند. زیر طبقات موانع کاهش انگ عبارت بودند از: گستردگی استیگما، منابع مالی ناکافی، ساختارها و سیاست گذاران، موانع فرهنگی، کارکنان بهداشت روان و سایر متخصصین و باورها، نگرش ها و فقدان آگاهی. زیر طبقات راه کارهای کاهش انگ شامل: تاکید بر آموزش و تغییر نگرش، فرهنگ سازی، تقویت سرویس ها و پوشش های حمایتی، ارتقا نقش سازمان ها، اصلاح یک پارچه ی ساختارها و اقدامات پژوهش محور بود. طبقه پیامدها شامل: پیامدهای منفی انگ و پیامدهای کاهش انگ بود. متغیر مرکزی که همان فرایند اساسی اجتماعی نهفته در داده ها بود، «ارتقای آگاهی روانشناختی» نام گرفت.

نتیجه گیری: با توجه به گستردگی و اهمیت کاستن از انگ در ارتقا سلامت روان در ایران، اتخاذ راه کارهایی که منجر به ارتقای آگاهی و دانش روان شناختی جامعه، اعم از عموم مردم (به خصوص با راه اندازی کمپین های رسانه ای)، علما و متخصصین حوزه بهداشت و سلامت (دانشجویان پزشکی و دستیاران تخصصی) گردد، ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: استیگما، سلامت روان، کاستن از انگ، مطالعه کیفی، گراند تئوری